

# چگونه دعا

## سر نوشت را دگرگون می سازد؟

یدالله مغلوله : (۱) دولت یهود می گویند : دستهای خدا بسته است، می گویند این آیه ناظر به بیان عقاید یهود ، درباره عدم تغییر تقدیر الهی است و آنان معتقدند که درموضوع سر نوشت، هیچ نوع تغییر و تبدیل راه پیدانی کند . زیرا خداوند پس از آفریدن جهان ، مقدرات هر موجودی را با قطعیت کامل ، معین نموده است ، و اثر مستقیم قطعیت تقدیر، این است که رشته مقدرات از دست او خارج گردد ، و دیگر او قادر به تبدیل و تغییر آن نباشد ! (۲)

روی ایسن منطق واهی و سست : بسیاری از کارهای خیر و نیک که به عقیده ما ، می تواند ، در

علی رغم عقیده دیرینه یهود ، تقدیر الهی قابل تغییر و دگرگونی است ، وجه بسا اعمالی مانند دعا و صدقه ، و نیکی به مردم ، سبب می شود که يك قسمت از مقدرات ما ، تغییر و دگرگونی پیدا کند ، و این تغییر نیز ، به حکم و تقدیر الهی صورت می پذیرد .

همان خدائی که تقدیر نخستین را نوشته است این را نیز مقدر نموده است که هر گاه رو به سوی او آوریم و دعاء کنیم و یاد رکاز نیکی ، پیشقدم گردیم سر نوشت ما دگرگونی پیدا کرده و سر نوشت دیگری جا نشین سر نوشت نخستین گردد.

مفسران اسلامی در تفسیر آیه : **وقالت اليهود**

(۱) سوره مائده آیه ۶۴

(۲) بحار الانوار ج ۴ ص ۱۱۷

مقدرات ما دگر گونی ایجاد کنند ، بی نتیجه خواهد بود ، زیرا هر گاه تقدیر خداوند قابل تغییر نیست ، و تحقق آنچه که روز نخست ، تعیین شده است ، ضروری و قطعی می باشد ، دیگر ، چه نیازی به دعا داریم ، و صدقه و سائر اعمال نیک ، چه سودی به حال ما در تغییر سر نوشت ما خواهد داشت . ۱۹ .

قرآن مجید در ذیل همان آیه در رد این منطق سست چنین می فرماید : **بل بدهاء مبسوطان ینفق کیف یشاء** : هر دوست او بازااست (یعنی قدرت او محدود نیست ) هر نوع بخواهد انفاق می کند ، و می تواند ، نیازمندی را غنی ، و نسر و تمندی را نیازمند سازد یعنی محدود ساختن قدرت خداوند ، معلول عدم شناسائی قدرت نامتناهی او است .

**توضیح اینکه :** در علم خدا دو نوع تقدیر وجود دارد :

۱- تقدیر قطعی و ضروری که به هیچ وجه قابل تغییر و دگر گونی نیست ، يك چنین تقدیر به هیچ عملی مانند دعاء ، و اعمال نیک ، دگر گونی پیدا نمی کند . زیرا مشیت الهی بر این تعلق گرفته که این کار ، به صورت يك امر قطعی انجام گیرد مانند :

الف - هر انسانی از نظر عمر و زندگی محدود است و هیچ فرد انسانی در این جهان زندگی ابدی و جاویدان نخواهد داشت .

ب - جهان ماده ، ابدی و پیوسته نیست ، و روزی فرا می رسد که منظومه شمسی ما خاموش میگردد .

ج - مشرکان و بت پرستان وارد دوزخ خواهند شد و گروه مطیع و فرمانبردار ، اهل سعادت و بهشت خواهند بود .

این دسته از مقدرات کلی ، به هیچ نحو ، قابل تغییر نیست و دعاء و سائر عوامل تغییر دهنده ، نمی توانند در آنها دگر گونی ایجاد کنند . و لذا - یکی از شرائط استجابت دعاء این است که به امر محالی و یا چیزی که برخلاف سنت و مشیت قطعی خداوند است (مانند زندگی ابدی در این جهان) تعلق نگیرد .

۲- آندسته از مقدراتی که به فرمان و اذن خدا ، قابل تغییر است .

و هر دو سر نوشت ، سرچشمه واحدی دارند ، و هر دو مربوط به خداوند است و خدائی که سر نوشت نخستین را معین نموده است درازل نیز از سر - نوشت دوم غافل نبوده است .

مثلاً تقدیر نخستین خداوند در باره فردی این بوده که بیمار شود و بمیرد ، ولی این تقدیر بصورت يك سر نوشت صد درصد قطعی نبوده ، بلکه مشروط به این بوده است که عمل نیکی را انجام ندهد و یا مؤمن پاکدلی در حق او دعاء نکند ، هر گاه یکی از این دو شرط محقق نگردد ، سر نوشت قطعیت پیدا میکند ، در غیر این صورت ، سر نوشت نخستین به سر نوشت دیگری تبدیل میگردد ، و بر اثر اعمال نیکی که انجام می دهد ، و یا دعای خیری که در حق او صورت می پذیرد ، او شایستگی این را پیدا می کند که عمر بیشتر و زندگی گسترده تری پیدا نماید .

ورزیده ، و در نتیجه آن را بیهوده یادخواست امر محال خوانده است ، در صورتی که پاسخ آن روشن است و ما همان نخستین قسمت کلام او را انتخاب می کنیم و می گوئیم : مقدر است که بیمار مورد دعا بهبودی یابد ، اما نه در هر وضعی و به هر شرطی ، بلکه در صورتی که شرائط و علل بهبودی فراهم گردد و یکی از اسباب بهبودی او همان دعا است . بنابراین باید رفت و این جزء از علت و چه بسا خود علت را فراهم آورد ، تا معلول آن محقق گردد .

عین این ایراد در باره مراجعه به پزشك و خوردن دارو نیز حکم فرما است زیرا ممکن است گفته شود ، که هر گاه مقدر این است که بیمار ، بهبودی یابد دیگر چه نیازی به مراجعه به پزشك و خوردن دارو است ، و اگر مقدر ضد و خلاف آنست مراجعه به طبیب و خوردن دارو مفید نخواهد بود و پاسخ مادر در دومورد (دعا و دارو) یکی است و آن اینکه مقدر است که بیمار بهبودی یابد ، ولی از مجرای علل و اسباب خود ، و یکی از اسباب آن مراجعه به پزشك و خوردن دارو است چنانکه در مواردی یکی از اجزای علل و یا یکی از علل آن توجه بخدا و درخواست شفا از ساحت اقدس او است ، در این فرض باید این شرائط و علل را فراهم نمود .

در احادیث اسلامی برای ابطال این شبهه بیانات شیوا و مستدلی وارد شده است و از خلال آنها استفاده می شود که منکران تأثیر دعاء و در رأس آنان گروه یهود ، این ایراد را در میان مسلمانان صدر اسلام

آری خداوند از روز نخست می دانست که سرانجام کدام يك از این دوسر نوشت در حق او ، حکومت خواهد کرد مثلا او مشمول دعای پاکدلی خواهد بود ، یا عمل خیری انجام خواهد داد ، یا نه ، ولی این علم ازلی و محیط ، مانع از آن نخواهد بود ، که دوسر نوشت در انتظار او باشد و او بایک عمل انقلابی مانند یکی به بینوایان و یا بر اثر دعای صاحب دلی ، سر نوشت نخستین را دگرگون سازد و سر نوشتی را جایگزین سر نوشت دیگر نماید .

\*\*\*

### چگونه دعا سر نوشت را تغییر میدهد ؟

برخی از ملل جهان مانند یهود و دیگران ، بر اثر بی اطلاعی از نحوه تأثیر دعاء در تغییر سر نوشت دچار اشکال شده و هر نوع دعاء و توسل را ، در دگرگونی مقدرات ، بیهوده خوانده اند ، و برای اثبات مدعای خود چنین استدلال نموده اند :

« سر نوشت بیماری که پس از دارو و طبیب برای بهبودی اودست بدعاء بلند می کنیم از دو صورت خالی نیست : یا در علم خداوند مقدر است که آن بیمار ، بهبودی یابد ، در این صورت دعای مالفو و بیهوده خواهد بود ، و یا عکس و ضد آن مقدم می باشد ، در این فرض محال است دعاء سر نوشت او را عوض کند . بلکه او بحکم واقع نمائی علم خداوند ، محکوم به مرگ می باشد ، و هیچ نوع دعاء و داروئی روی او اثر نخواهد گذارده (۱)

ولی این گفتار حاکی از آنست که ایراد کننده از نحوه تأثیر و موقعیت دعا در بهبودی بیمار غفلت

بخش کرده بودند از این رو وقتی از پیامبر اسلام در باره تأثیر دعا سؤال می‌کنند می‌فرماید: «انها من قدر الله» (۱) یعنی دعا و درخواست شفای بیمار از خداوند، یکنوع پناه به اسباب و علل، و عمل به تقدیر است، و تقدیر الهی درباره برخی از بیماران این است که از مجرای دعا بهبودی پیدا کنند، در این فرض، دعا کردن و درخواست شفا از خداوند، يك نوع فراهم ساختن اسباب و علل سازنده مطلوب است.

امام صادق (ع) به تأثیر دعا در تغییر سر نوشت، با بیان شیوائی اشاره کرده می‌فرماید: یکی از اموری که قضای الهی را دگرگون می‌سازد، دعا است زیرا خدا است که بدعا چنین قدرتی را داده است که بهم‌زننده تقدیر است، و این حقیقت فلسفی را با جمله زیر بیان کرده است: **و ذلك الدعاء مكتوب عليه: الذي يرد به القضاء (۲)**

این دعائی است که فرمان الهی بر آن نوشته شده است، که دگرگون‌کننده قضای الهی است!، یعنی همان دعائی که تقدیر نخستین را تعیین فرموده این را نیز مقدر کرده که هر گاه فردی و یا اجتماعی رو به سوی خدا آورد، و بر اثر دعا به روح و روان خود پاکی خاصی بخشد و شایستگی رحمت و نعمت بیشتری را پیدا کند، در این صورت تقدیر خود را دگرگون‌سازد و تقدیر دیگری را جانشین تقدیر نخست نماید.

**خلاصه** پایه ایراد این است که دعا و هر نوع توسل که موجب پاکی و طهارت روح می‌گردد، خارج از محیط اسباب و علل اشیاء است در صورتی که در روایات و احادیث اسلامی اصرار بر این است

که دعا جزو علل و اسباب وجود حوادث است و بسان علل دیگر، در پیدایش معلول اثر خاصی دارد و باید بسان اسباب دیگر آنرا فراهم ساخت.

علت اینکه دعاء موجب تغییر تقدیر الهی می‌گردد این است که نزول فیض و رحمت الهی، منوط به لیاقت و شایستگی انسان است و هر فردی به اندازه تقریبی که به درگاه الهی پیدا میکند، شایسته لطف و رحمت بیشتری می‌گردد.

از آنجا که دعا و هر نوع عمل صالح حاکی از يك نوع انقلاب ممنوی و هیجان روحی است، شخص در پرتو این توجه، قرب و نزدیکی خاصی به مقام ربوبی پیدا میکند، از این نظر، درخواست او پذیرفته شده و دعای او، تقدیری را دگرگون می‌سازد.

قرآن مجید به این نکته در آیه زیر اشاره نموده و می‌فرماید که فقط دعا و درخواست آن گروه به هدف اجابت می‌رسد که افرادی با ایمان و دارای عمل نیک باشند چنانکه می‌فرماید: «**و يستجيب الذين آمنوا و عملوا الصالحات و يزیدهم من فضله**» (سوره شوری آیه ۲۶): «و دعای آن دسته مستجاب می‌گردد که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند و خداوند از فضل و کرم خود، نعمت خود را در حق آنان افزایش می‌دهد. و این اثر ایمان و عمل صالح است که به شخص دعا کننده شایستگی خاصی می‌بخشد و دعای او مستجاب می‌گردد، و مستحق، تغییر سر نوشت می‌شود.

از روایاتی که در آداب دعاء وارد شده است این حقیقت نیز بخوبی روشن می‌گردد.